

معرفی نوع خاص و نادری از سفال که در معماری ابتدای دوره اسلامی در ناحیه مرکزی ایران بکار رفته

سید علی جلیلی

همراه با تصاویر بسیار بچاپ رسیده و ما در این مقاله با اقتباس از گزارش مزبور به معرفی نکات برجسته و قابل توجه در باره این نوع سفال و کاربردهای آن می‌پردازیم و تصاویری را که معرف انواع آنها و طرز بکارگیری آنها است، ارائه می‌دهیم.

این سفال‌ها بصورت ورقه‌هایی هستند که بر یک وجه آنها نقوشی قالب زده شده که فاقد قرینه سازی است و این نقوش که تقریباً نیمی از سطح سفال را فرا گرفته‌اند عبارتند از نوارهایی با برآمدگی زیاد، که مقطع آنها نیم دایره یا ذوزنقه یا مثلثی شکل است و گل رسی که در ساخت آنها بکار رفته بیشتر به رنگ زردی گاهی به رنگ صورتی است. تمامی سفال‌های بدست آمده بصورت خرد شده و شکسته شده است و یک قطعه سفال کامل در میان آنها دیده نمی‌شود، ولی می‌توان ابعاد سفال‌های اصلی را حدس زد: عرض بین ۱۸ تا ۲۲ سانتی متر، بلندی بین ۴۲ تا ۵۲ سانتی متر و ضخامت بین ۲/۸ تا ۴ سانتی متر. چنانکه اشاره کردیم تزئین این سفال‌ها عبارت است از یک رشته نوارهای برجسته که گاه با عناصر دیگری نیز همراه است و این نوارها بر حسب اندازه و ابعاد و شکل قرار گرفتن و ترکیب با عناصر همراهی کننده خود، گروه سفال را به ما عرضه می‌دارند:

در گروه یک، نمونه‌هایی قرار دارند که به هم‌دیگر بسیار نزدیکند و تالیه سفال امتداد پیدا می‌کنند (شکل‌های ۲۰۳-۱). در یکی از نمونه‌های این گروه، شیار بین نوارها ساده نیست بلکه رگه‌ای در وسط آن قرار دارد (شکل ۴).

در گروه‌های دیگر تزئین اندکی پیچیده‌تر است: نوارها باریکتر و شیار بین آنها پهن‌تر است و تالیه سفال امتداد پیدا می‌کند (برخلاف گروه یک)، بلکه قطعه سفال دارای یک حاشیه تخت است که گاهی روی یک وجه سفال و گاهی روی هر سه وجه

در حین کاوشهای باستان‌شناسی که قسمت تحتانی مسجد جمعه اصفهان انجام گرفته، خرده‌هایی از سفال که به نوع خاصی از تزئینات معماری اختصاص داشته، به مقدار زیاد به دست آمده است.

این سفال‌ها که در جای دیگری به ندرت به آن تقریباً مشاهده نشده، درست در زیر کف مسجد پیدا شد و ظاهراً جزو مصالحی بوده که در موقع تخریب بنای قبلی بدست آمده و مجدداً در ساخت بنای جدید بکار رفته‌اند. این سفال‌های منقش مربوط به آخر دوره ساسانی و شروع دوره اسلامی است و حداکثر تا سال ۲۲۶ هجری کاربرد داشته است. در این زمان زمینی که این مصالح در آن بکار رفته بود تسطیح شده تا برای بازسازی و احتمالاً توسعه مسجد کهنی که در سال ۱۵۶ هجری ساخته شده، آماده شود.

چنانکه اشاره کردیم، مشابه این سفال‌ها در تحقیقات چاپ شده که در دسترس بوده، جایی معرفی نشده است، به استثنای یک مورد، که در همین مقاله معرفی و به آن داده خواهد شد که بررسی کنندگان در مورد کاربرد آنها بسیار قابل قبولی بدست ندادند.

پروفسور اومبرتو شرآتو Prof. Umberto Scherrato استاد دانشگاه رُم، که فعالیت‌های هیأت باستان‌شناسی ایتالیایی را اداره می‌کرده، برای نخستین بار در کتابی که به معرفی این نوع خاص و ناشناخته سفال پرداخته که در معماری ناحیه مرکزی ایران بکار رفته است، گزارش مربوط به زبان ایتالیایی در مجموعه

STUDI IRANICI. Contributo cultural italo-Iraniano, Roma 1977

سفال قرار دارد. در گروه دوم نوارها، علاوه بر این، در یک طرف به شکل کنگره‌ای به هم متصل شده‌اند (شکل‌های ۵ تا ۱۰).

گروه سوم از نظر نقوش می‌تواند صورت تغییر یافته‌ای از گروه قبلی باشد، که در عین حال برای خود مستقل است (شکل‌های ۱۱ - ۱۲). گِل رُس زرد روشن آن خالص‌تر و صیقلی‌تر است. نقش آن بسیار کوچک و دور تا دور قسمت نواردار آن را حاشیه صاف و پهنی فراگرفته است. نوارها بسیار نازکند و از همدیگر فاصله دارند و در یک سر آنها حاشیه صافی است که دندان‌هایی در آن بوجود آمده و این دندان‌ها در مقابل شیارهای بین نوارها قرار دارند. در فاصله بین دندان‌ها و حاشیه پهن سفال یک نوار عمودی بسیار نازک کشیده شده است.

از گروه چهارم تنها یک نمونه در دست است. گِل آن به رنگ صورتی بسیار زُخت است و قسمت نقش دار آن با اُخرای سرخ، رنگ آمیزی شده (شکل ۱۳) و حداقل در سه طرف آن حاشیه‌ای دور تا دور قسمت نقش دار را احاطه کرده است. تعداد نوارها پنج عدد و مقطع آنها نیم دایره‌ای است، نسبتاً نازک هستند و بر عکس دو گروه قبلی، این نوارها به هم متصل نیستند و انتهای آنها گرد است و یک سری دانه‌ها روبروی آنها است که به یک نوار افقی متصل ولی از آن نوارهای عمودی جدا هستند.

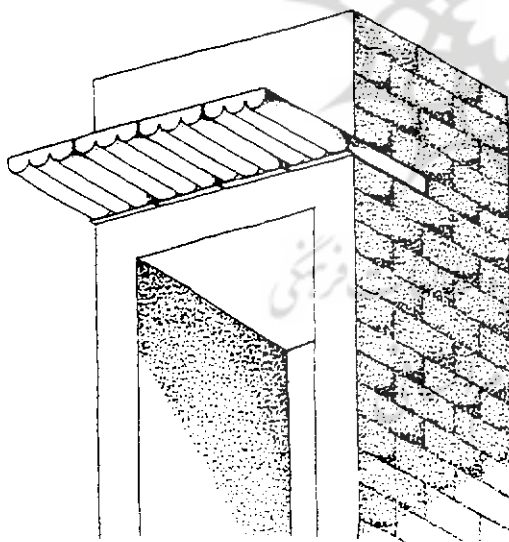
از گروه پنجم نیز تنها یک قطعه بدست آمده (شکل ۱۴). نوارها مقطعی تقریباً مثلثی - ذوزنقه‌ای شکل دارند و انتهای آنها بوسیله یک کمان مانند‌ی به هم متصل است و از این نظر یادآور گروه‌های ۲ و ۳ است، فقط حاشیه اطراف آنها از نوار صافی تشکیل شده که بر آندگیهای مثلثی شکل رو به داخل از آن منشعب شده‌اند.

کاربرد این سفال‌ها ابتدا روشن نبود، بخصوص از این جهت که اولین سفال‌هایی که پیدا شدند، بصورت تکه‌هایی کوچک بودند و مشابهی هم برای مقایسه در دست نبود. نخست به نظر آمد که شاید قطعاتی از یک حاشیه تزئینی باشند، ولی بعداً معلوم شد چنین نیست چون نقوش و تزئینات این سفال‌ها فاقد قرینه‌سازی است و علاوه قسمت بدون تزئین بزرگتر یا مساوی قسمت تزئین دار است و به این ترتیب ممکن بود بشود حدس زد که تنها همین قسمت تزئین دار در مقابل دید قرار می‌گرفته. از اینجا نتیجه گرفته شد که احتمالاً قطعه آجر سفالی بحالت افقی در داخل بدنه دیوار قرار می‌گرفته بطوریکه قسمت صاف آن در

درون دیوار و قسمت تزئین دار بیرون بوده و البته این قسمت تزئین دار می‌بایست از پایین دیده شود و چنانکه در اشکال الف - ب - ج ملاحظه می‌شود، حالت سایه بان داشته. آنچه این احتمال را القاء می‌کند یکی همان بی تقارنی تزئینات است و یکی دیگر، خصوصاً، شکل خاص تزئینات مزبور است.

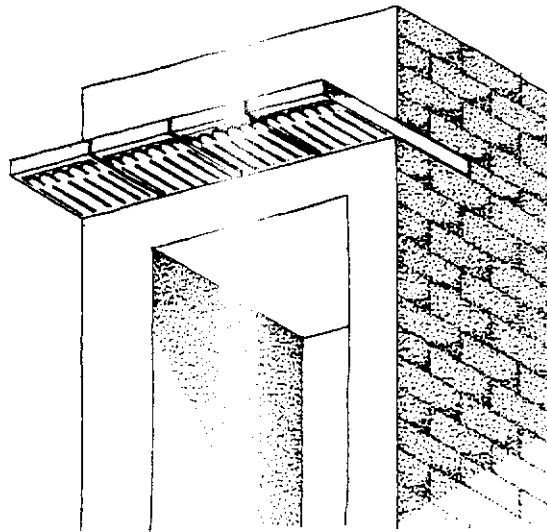
اگر سفال‌های گروه یک را در نظر بگیریم، نقش نوارهای نیم دایره‌ای این فکر را بوجود می‌آورد که شاید اقتباس از طرز قرار گرفتن تیرهای چوبی باشد که کاملاً نزدیک به هم قرار گرفته‌اند. در گروه‌های دیگر باز همین تصوّر به ذهن القاء می‌شود گرچه سطح تزئین شده قدری غنی‌تر شده و بخاطر همین غنای تزئینات، هدف اولیه کاربردی آن دیرتر آشکار می‌شود. بنابراین بنظر می‌رسد قرار گرفتن این سفال‌ها پهلوی هم در واقع جایگزین یک سایه بان چوبی بوده، که بحالت قرنیز بالای دیوار یا به حالت محافظ و سایه بان بر روی درها و پنجره‌ها قرار می‌گرفته (شکل‌های الف - ب - ج).

البته با آگاهی‌های فعلی نمی‌توانیم بگوییم که آیا سفال‌های هم شکل همه پهلوی یکدیگر قرار می‌گرفته یا در فاصله بین آنها، یک در میان، قطعات نوع دیگری مثلاً سفال‌های صاف قرار داشته است. هیچ بنای قدیمی در ایزان سراغ نداریم که چنین مصالحی در آن بکار رفته باشد. سایه بان‌هایی که هنوز بکار می‌روند چوبی هستند و نوع آنها هم بکلی متفاوت است و در بناهای متأخر دوره



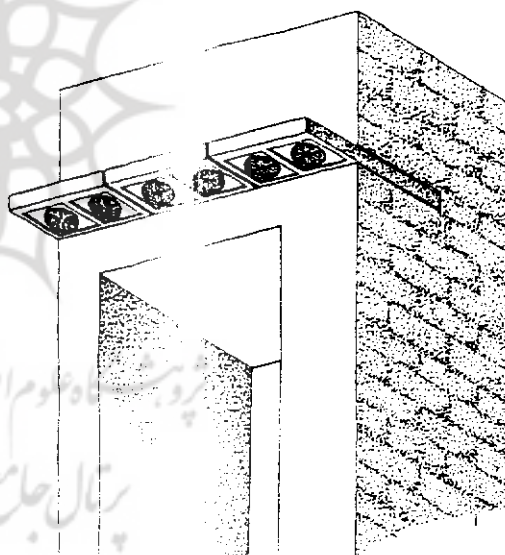
شکل الف - کاربرد احتمالی سفال‌های مثلثی، از گروه بک، اصفهان

بدهد یا ندهد. نمونه‌های متداول این سایه بانها در معماری روستایی آسیای غربی از آناتولی تا نواحی شمالی ایران، مخصوصاً در نواحی خزری، مازندران و گیلان، یافت می‌شوند (شکل‌های ۳۰ و ۳۱)^(۱) که این نوع معماری یادگار بازمانده‌ای از یک معماری بسیار قدیم است، و ضمناً یادآور ساخت قبرهای مشهور لیکیه (Licia) قدیم است (شکل ۳۲)^(۲) که خود آن تیرها نیز نماینده تداوم معماری روستایی محلی می‌باشد (شکل ۳۳)^(۳). برخی جزئیات جالب در آثار باستانی ایران نیز به چشم می‌خورد از قبیل قبرهای دوران ماد که نمونه آنها در قزقپان^(۴) وجود دارد.



شکل ب - کاربرد احتمالی سفالها در سقف از گروه دو، اصفهان

پروفسور شیرآتو رئیس هیأت باستان‌شناسی ایتالیایی، مسأله سفال‌های اصفهان را با استاد کریم پیرنیا و همچنین با آقای دکتر شیرازی^(۵) مطرح ساخته و آنان نیز تفسیر مشابهی پیشنهاد کرده‌اند. آقای دکتر شیرازی این نکته را متذکر شده‌اند که در مسجد جمعه اردستان به پاره آجرهایی برخورد داشتند که نقش گل بر آنها حک شده و در پوشش متأخر مسجد جمعه مزبور مجدداً مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این پاره آجرها نیز بنظر می‌آید که نقش تزئینی بدون تقارن فقط بر یک وجه آجر نقش شده بوده است.



شکل ج کاربرد احتمالی سفالهای منقش در سقف از گروه دو، اصفهان که در فهرج پیداشده

در میان عکسهایی که توسط «پروفسور جان روبرتو اسکارجیا» از مسجد جمعه فهرج گرفته شده به آجرهایی

۱- قس. "L'Art de la Perse", M. Dieulafoy, ج ۲، پاریس ۱۸۴۳، ص ۳۴-۳۵، ص ۴۵-۴۶، همچنین "L'Art de la Perse", A. Godard, "L'Art de la Perse", Uoutes Iraniennes", ج ۴، بخش ۱۹۴۹، ص ۱۸۸ و ۱۷۲.
 ۲- "The Architecture of Ancient Greece", W.B. Dinsmoor, نیویورک و غیره، ۱۹۵۰، تص. ۱۹.
 ۳- "An Account of Discoveries in Lycia", Sir C. Fellows, تص. روبروی ص ۱۲۹، ۱۸۴۱.
 ۴- "A Tomb in Kurdistan", C.J. Edmonds, (Iraq), ج ۳، ص ۳۳۲، ص ۱۸۳.
 ۵- "Neue Beobachtung zu den sog. medischen Felsgrabern" در گزارش دومین سمپوزیوم ستاره‌شناسی باستان‌شناسی در ایران، تهران ۱۹۷۳، تهران ۱۹۷۴، ص ۱۳۹، ۱۴۵، ص ۱۳۹، همچنین ص ۱۱، استودان نزدیک استخر.
 ۵- آقای دکتر باقر آیتا، زاده شیرازی (قائم مقام کنونی سازمان میراث فرهنگی کشور)، که بنا به نوشته پروفسور شیرآتو، تحقیقات مهمی را در مسجد جمعه اردستان به ثمر رسانده است.

قاجار دیده می‌شوند.

این نوع سایه بان سفالی ظاهراً از سقف‌های مسطحی اقتباس شده که پوشش گلی آن توسط تیرهای سرامشیده و به هم چسبیده نگاهداشته می‌شود و مقطع آنها در اطراف سقف و در پیشانی ساختمان مخفی نیست، بلکه نمایان است و ممکن است تشکیل سایه بان هم

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

قدیمی‌تر از بقیه باشد چون مربوط به قبل از مسجد ستون دار فعلی است که بنا به آخرین تحقیقات باستانشناسی، حداکثر حوالی سال ۸۴۰ میلادی بنا شده است. بنظر نمی‌رسد که سفال‌های مزبور برای ساخت مسجد بکار رفته باشند، چه با بررسی لایه‌های ساختار مسجد هیچیک از قطعه‌ها قابل اسناد دادن بدان نمی‌باشد.

در خصوص سفال‌های فهرج، تصور می‌رود بتوان آنها را تقریباً همزمان با تاریخ بنای مسجد دانست که به اغلب احتمال، در نیمه قرن نهم م. بوده است. سبک تزئین قطعه سفال‌ها، بخصوص شماره‌های ۴ و ۵ با طرحی که در وسط یک قاب مروارید شکل قرار دارد، همان سبک قدیم ساسانی است که چنانکه می‌دانیم مدتها در هنر اسلامی ایران پایدار بوده و همین نکته، یعنی استفاده از این سبک تزئین، دلیلی برای این حدس است. سبک نوشته، بخط کوفی پیشرفته، که باعث شده است Bivar و Fehranan تاریخ سفال‌های قبیرا را قرون ۱۱ و ۱۲ بدانند تناقضی با نقش نخل نیزدای شکل که بر روی سایر سفال‌های آن محل دیده می‌شود ندارد.

سفال‌های اصفهان نه فقط بدلائل مربوط به باستان شناسی، بلکه همچنین بدلیل شکل و نوع آنها، بنظر قدیمی‌تر می‌آیند. این سفال‌ها یادآور بامهای لبه دار چوبی هستند که از تیرهای کوچک و ناصافی تشکیل شده‌اند که چسبیده بهم قرار گرفته‌اند و ظاهراً از نظر سبک کار، قدیمی‌تر از بامهای لبه داری هستند که از تیرهای کوچک فاصله دار تشکیل شده‌اند و بوسیله تخته‌های صاف افقی بهم مربوط شده‌اند و نمونه‌های آنها بوفور در ایران در بانهای لبه دار دوره قاجار مشاهده می‌شود. این لبه‌های چوبی تقریباً همیشه در سمت زیرین خود دارای نقشهای تزئینی رنگین هستند. در سفال‌های اردستان و فهرج و قبیرا از همان شکل‌هایی که معمولاً بر روی نمونه‌های چوبی ترسیم و رنگ آمیزی شده آن اقتباس گردیده و از این میان جدیدترین نقشی که مورد اقتباس قرار گرفته نقش کتیبه است. آنها نیز می‌بایست رنگ آمیزی شده باشند و یادآوری می‌کنیم که بر روی بسیاری از سفال‌های اصفهان اثرهایی از اخرای قرمز و زرد و آبی فراوان یافت می‌شوند و همین سه رنگ است که نقاشیهای ابنیه قدیمی بخصوص اسلامی را تشکیل می‌دهد. ضمناً یادآوری

می‌کنیم که سطح برخی از سفال‌های اصفهان را لایه نازکی از گچ پوشانده تا آماده برای نقاشی و رنگ آمیزی شود.

اهمیت بررسی این سفال‌ها در این است که ناحیه‌ای که این سفال‌ها در آنجا بدست آمده نسبتاً کوچک و محدود به ناحیه مرکزی ایران و در ناحیه‌ای است که تحقیقات باستان شناسی بمعنای واقعی در زمینه دوران ساسانی و اسلام عملاً صورت نگرفته. در نواحی دیگر ممکن بود چنین مدارکی مورد توجه واقع نشود.

سفال‌هایی از این نوع به نظر نمی‌آید که تابحال در هیچ بنای دیگری دیده شده باشند. علتش ممکن است این باشد که این مصالح زینتی بخاطر محل قرار گرفتشان و بخاطر جنس خودشان بسیار در معرض شکستن و خردشدن هستند و از اولین مصالحی هستند که دچار آسیب زمان می‌شوند و بزمین می‌افتند و می‌شکنند. حال اگر بیاد آوریم که این سفال‌ها در معمولی‌ترین صورت خود ممکن بود بصورت ورقه‌های سفالین ساده و بدون تزئین باشند، براحتی می‌توانیم فرض کنیم که وقتی اینها بزمین بیفتند و تکه تکه شوند، بخاطر اندازه هایشان قابل تشخیص از آجرهای معمولی نیستند. اینکه این مصالح را در ابنیه قدیمی موجود نمی‌یابیم علتش ممکن است این باشد که این مصالح در معماری از زمان‌های قدیم، دیگر از دور خارج شده بودند و دلیل دیگرش، بخصوص اینست که آنها متعلق به معماری ابنیه کوچک و سطح پایین و متعلق به آن نوع معماری روستایی بوده‌اند که همواره از مصالح بی دوام و ضایع شدنی استفاده می‌کرده و تنوع و تجدد نمی‌پذیرفته و در نتیجه در نمونه‌های موجود شناخته نیست و عملاً در تحقیقات باستان شناسی چیز ناشناخته‌ای است. از طرف دیگر استفاده از قرنیز و سایه بانهای آجرین و سفالین در معماری اسلامی کلاسیک بطور اعم، و در معماری ایران بطور اخص، کاربردی نداشته است.

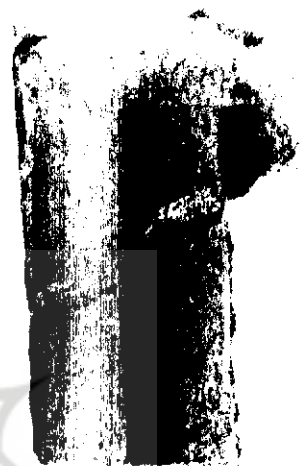
نتیجه آنکه، اگر این تفسیر درست باشد، تکه آجرهای دارای نقوش حک شده بدون تقارن سفال‌هایی بوده‌اند برای قرنیزها و بام‌های لبه دار که در ابنیه کوچک روستایی، و احتمالاً در نواحی کوهستانی غیر خشک، کاربرد داشته و دامنه آن به معماری رسمی ساختمان‌های بزرگ کشیده نشده یا اگر در موارد استثنایی کشیده شده، در اینجا برای ما قابل اثبات نیست. تزئینات

پرورده‌تری پیدا کرده است، مانند همان نقشی که در میان یک قاب
 بروراید، مانند محصور گشته یا همان طومارمانندهایی که
 حاوی کتیبه‌ای بخط کوفی است.

سفال‌های مزبور در برخی از موارد، در سفال‌های نوآر دار
 مسجد اصفهان، اقتباسی از نمونه‌های اصلی چوبین است، در
 حالیکه در سفال‌های اردستان و فهرج، شبیرا این تزئینات، لااقل
 در برخی نمونه‌ها، به نقاشی نزدیک به و نقوش‌های پخته‌تر و



شکل ۳ - سفال، گروه یک



شکل ۱ - مسجد جمعه اصفهان، گروه یک



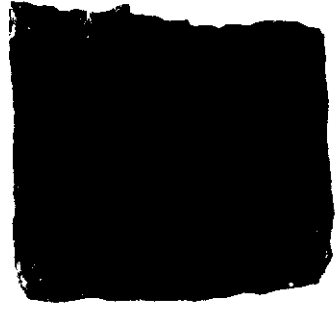
شکل ۴ - سفال، گروه یک



شکل ۲ - سفال، گروه یک



شکل ۸ - سفال، گروه دو



شکل ۵ - سفال، گروه دو



شکل ۹ - سفال، گروه دو



شکل ۶ - سفال، گروه دو

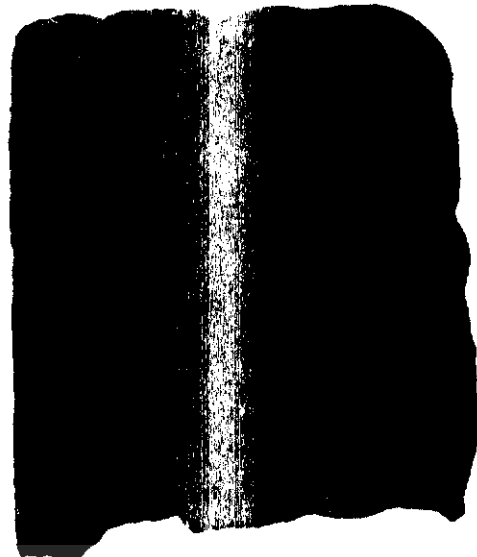
شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



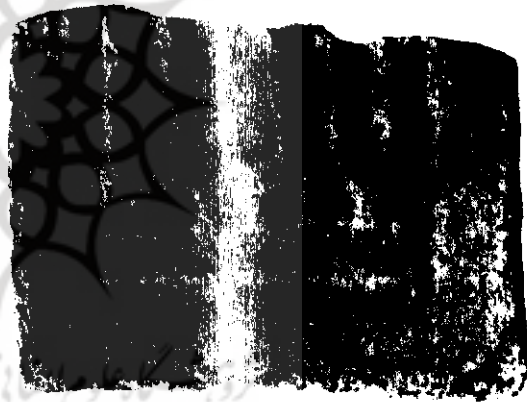
شکل ۷ - سفال، مسجد جمعه، گروه دو



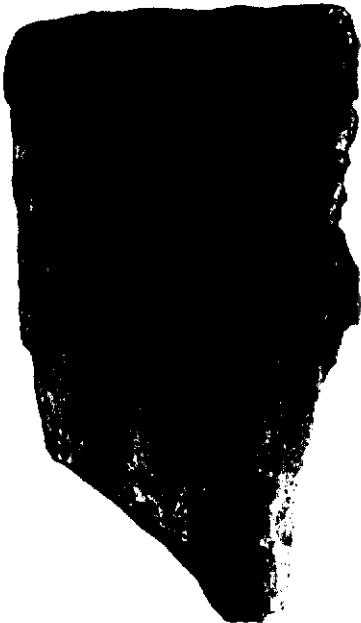
شکل ۱۳ - سفال، گروه چهار



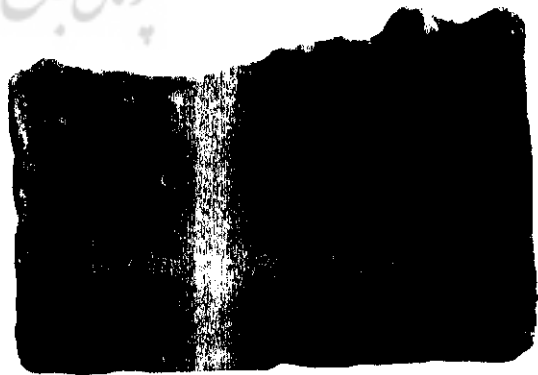
شکل ۱۰ - سفال، گروه دو



شکل ۱۱ - سفال، گروه سه

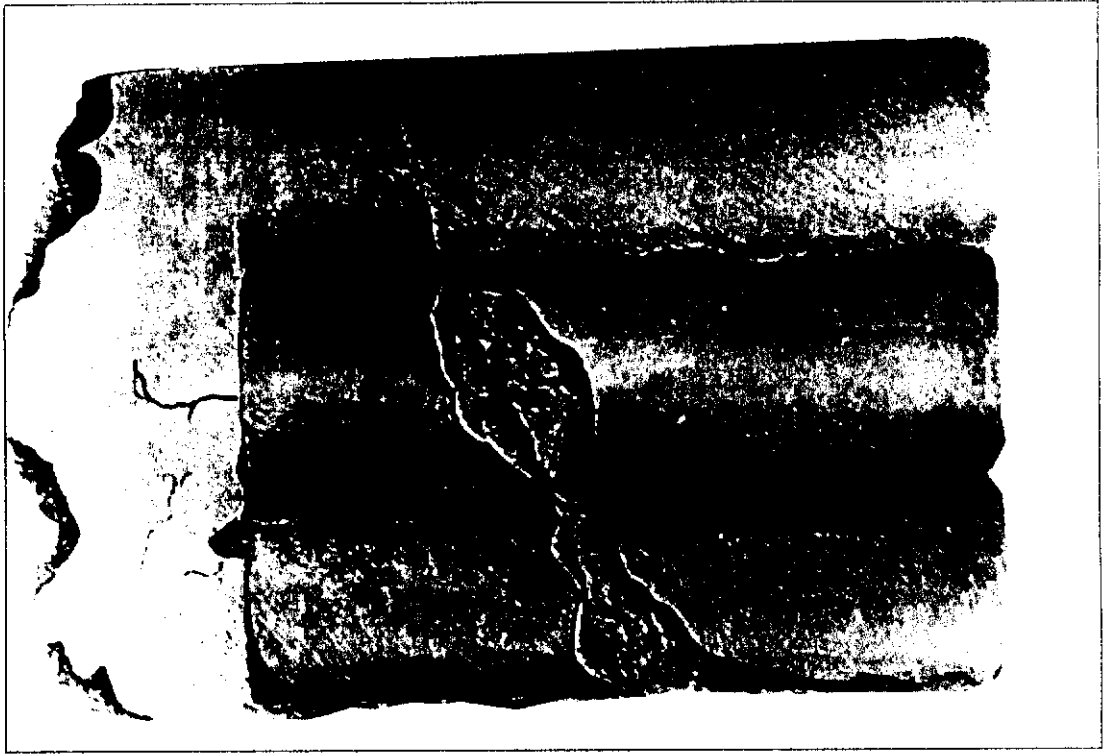


شکل ۱۴ - سفال، گروه پنج

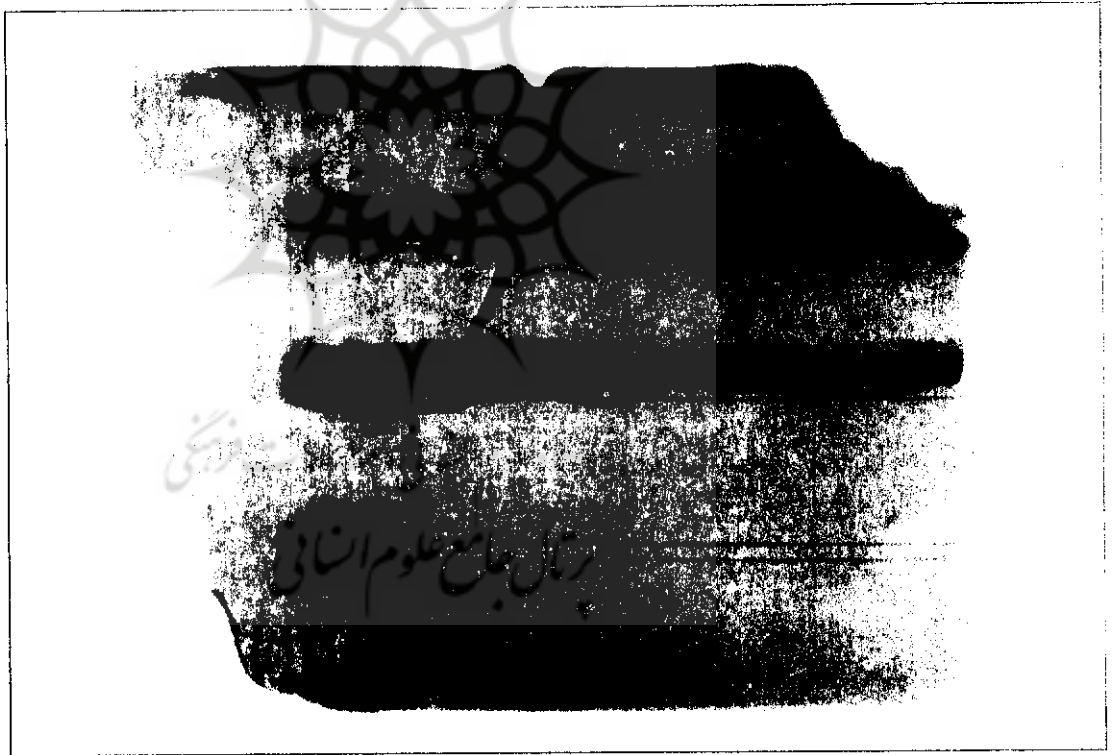


شکل ۱۲ - سفال، گروه یک

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱۵ - ستان، مسجد جمعه، گروه یک



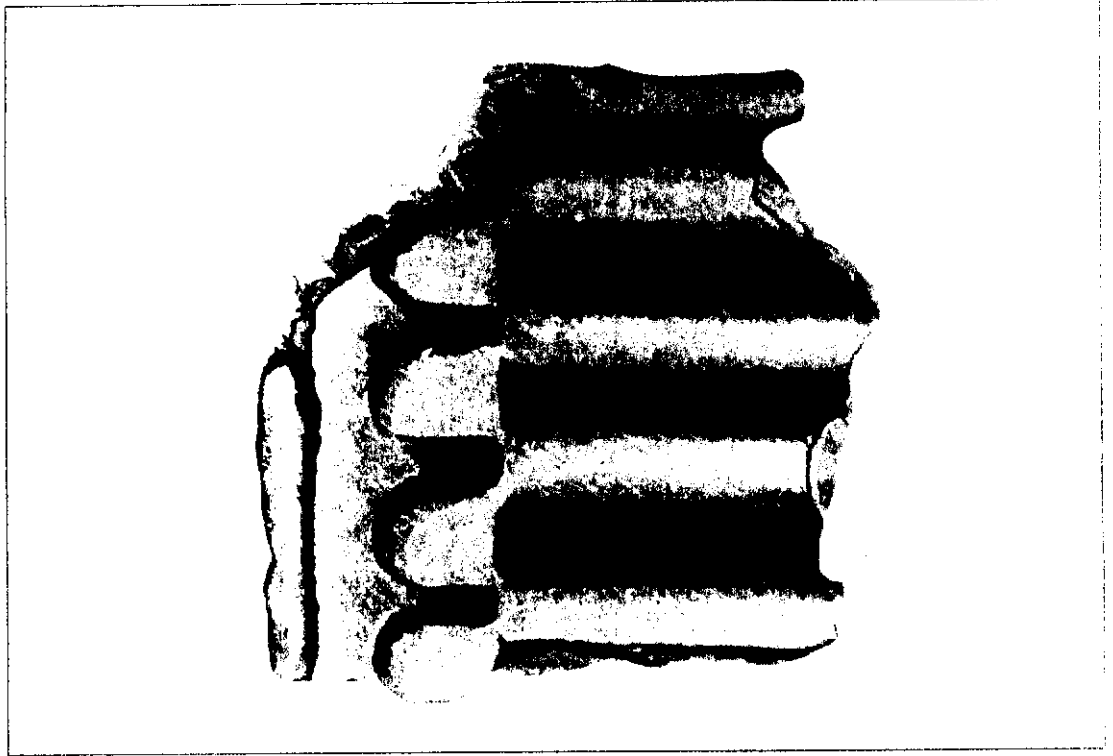
شکل ۱۶ - ستان، مسجد جمعه، گروه یک



شکل ۱۷ - سفال، مسجد جمعه، گروه یک



شکل ۱۸ - سفال، مسجد جمعه، گروه دو

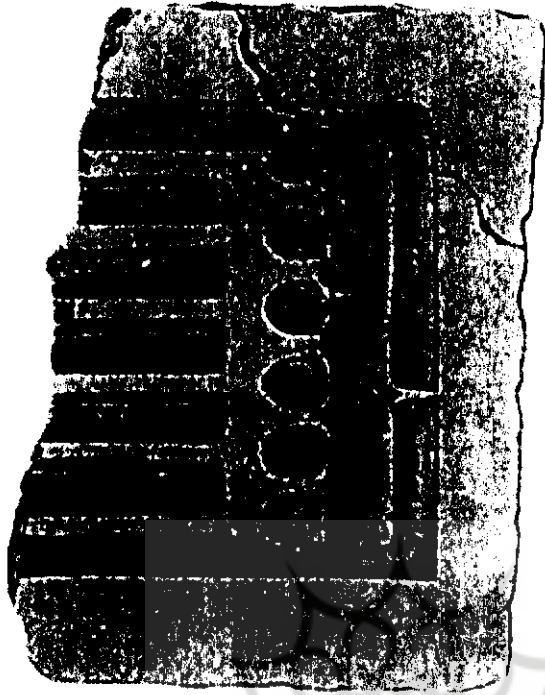


شکل ۱۹ - ستان، مسجد جمعه، گروه ۲۰

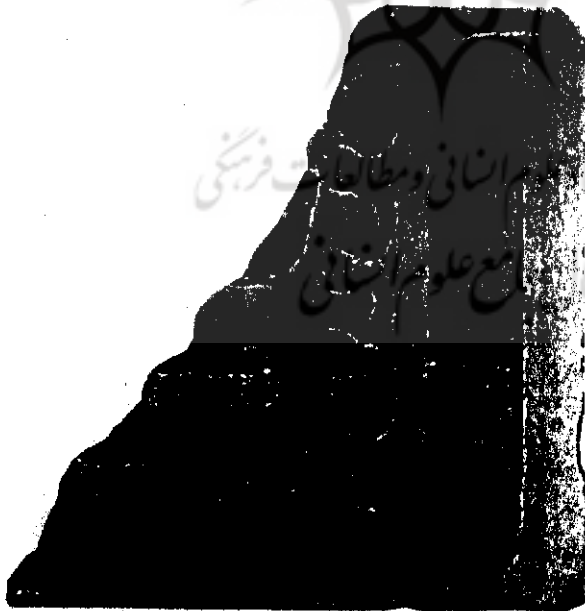


شکل ۲۰ - ستان، مسجد جمعه، گروه ۲۰

شکل ۲۱ - سفال، مسجد جمعه، گروه ۵۸

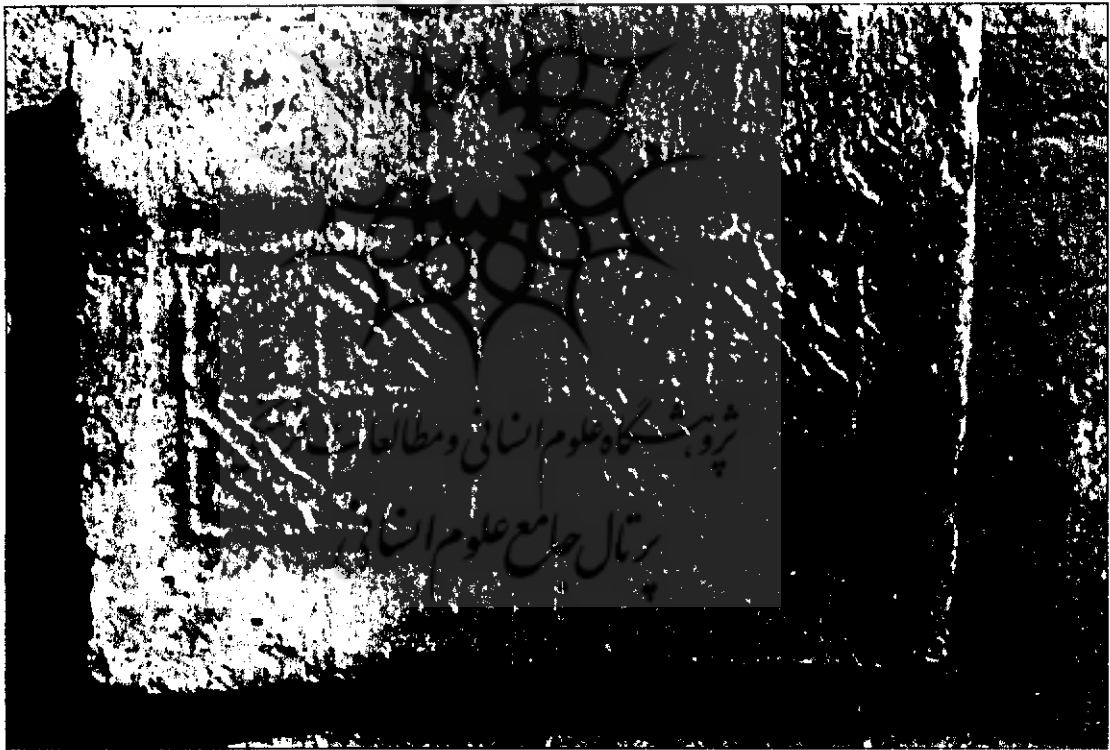


شکل ۲۲ - سفال، مسجد جمعه، گروه چهار

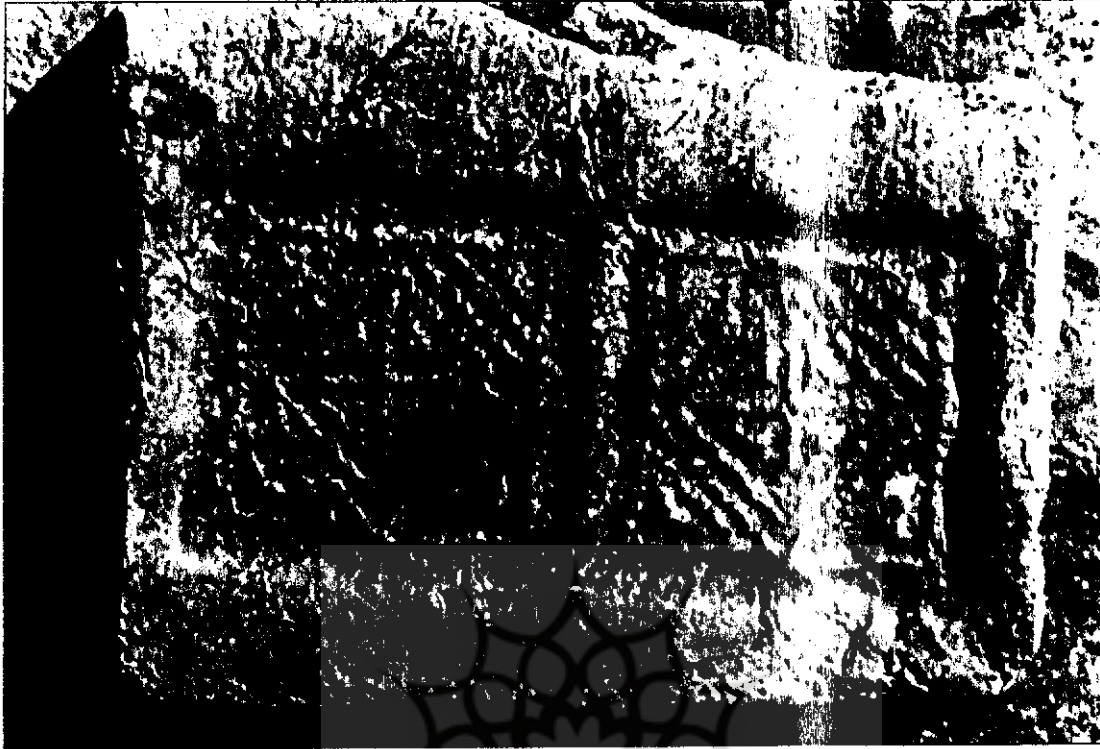




شکل ۲۳ - سفال، مسجد جمعه فهرج



شکل ۲۴ - سفال، مسجد جمعه فهرج



شکل ۲۵ - منار، مسجد جمعه فہرج

پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنجی
پرتال جامع علوم انسانی



نگار ۲۶ - ستان مسجد جامع قریح



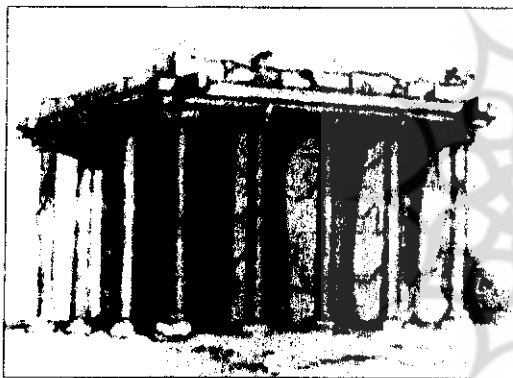
نگار ۲۷ - ستان مسجد جامع قریح



شکل ۳۱ - خانه در مازندران



شکل ۲۸ - سفال فیرا



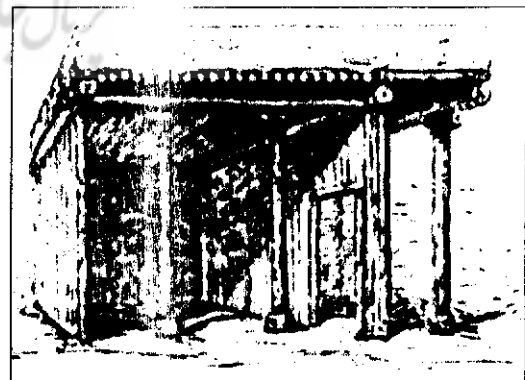
شکل ۳۲ - خانه در Xantos، لیکیه (Licia)



شکل ۲۹ - سفال فیرا



شکل ۲۳ - قبره میرا (Myra)، لیکیه (Licia)



شکل ۳۰ - خانه در مازندران